

عملکرد ابزارهای سیاست پولی در نظام بانکداری بدون ربا

طی دهه گذشته

محمود بهمنی

رئیس اداره سرمایه گذاری بانک ملی ایران

بدلیل نقش حساس و تعیین کننده پول در اقتصاد و اهمیت سازمانهای پولی و بانکی در اداره پول، می توان آنها را از اهرمهای اساسی دخالت دولت در امور اقتصادی محسوب نمود. اهرم پولی در کنار اهرمهای بودجه و برنامه قدرت اقتصادی عظیمی را در اختیار دولت قرار می دهد که می تواند در پیشبرد اهداف اقتصادی دولت کاملاً موثر باشد. اعمال سیاستهای پولی در یک اقتصاد از طریق بکارگیری ابزارهای پولی مختلف صورت می پذیرد بکارگیری این ابزارها عملاً می بایست همگام با اهداف سیاستهای مذکور باشد.

مهمترین این ابزارها در نظام بانکداری بدون ربا در مقایسه با بانکداری کلاسیک بشرح زیر می باشد:

الف - ابزارهای سیاست پولی (کمی و کیفی) در بانکداری کلاسیک:

ابزارهای کلاسیک که توسط آنها بانک مرکزی می تواند به کنترل حجم پول بپردازد و در مواد ۱۳ و ۱۴ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ ذکر شده است که اهم آنها عبارتند از:

۱- نرخ تنزیل مجدد

۲- عملیات بازار آزاد

۳- نسبت سپرده قانونی

۴- کنترل مستقیم

۵- ترغیب اخلاقی

ابزارهای فوق به تنهایی یا در بعضی مواقع همراه با یکدیگر برای کنترل حجم پول در اقتصاد

مورد استفاده قرار می‌گیرند.

ب - ابزارهای سیاست پولی (کمی و کیفی) در نظام بانکداری بدون ربا:

۱- تعیین نرخ حداقل سود علی‌الحساب و قطعی پرداختی به سپرده‌گذاران کوتاه مدت و بلند مدت.

۲- بر اساس ماده ۲۰ قانون عملیات بانکی بدون ربا:

- تعیین حداقل و یا حداکثر نسبت سهم سود بانکها در عملیات مشارکت و مضاربه، (سود پیش بینی) این نسبتها ممکن است در هر یک از رشته‌های مختلف متفاوت باشد.

- تعیین حداقل و حداکثر نسبت سود بانکها در معاملات اقساطی و اجاره بشرط تملیک در تناسب با قیمت تمام شده مورد معامله (سود قطعی). این نسبتها ممکن است در موارد مختلف متفاوت باشد.

- تعیین رشته‌های مختلف سرمایه‌گذاری و مشارکت در حدود سیاستهای اقتصادی مصوب و تعیین حداقل نرخ سود احتمالی برای انتخاب طرحهای سرمایه‌گذاری و مشارکت، حداقل نرخ سود احتمالی ممکن است در هر یک از رشته‌های مختلف متفاوت باشد.

- تعیین حداقل و حداکثر میزان مشارکت، مضاربه، سرمایه‌گذاری، اجاره بشرط تملیک، معاملات اقساطی، نسیه، سلف، مزارعه، مساقات، جعاله و قرض الحسنه برای بانکها و یا هر یک از آنها در هر یک از موارد و رشته‌های مختلف و نیز تعیین حداکثر تسهیلات اعطائی به هر مشتری.

- تعیین نوع، میزان، حداقل و حداکثر امتیازات ماده ۶^۲ و تعیین ضوابط تبلیغات برای بانکها در این موارد.

طبق ماده ۶ قانون عملیات بانکی بدون ربا بانکها می‌توانند، بمنظور جذب و تجهیز سپرده‌ها با اتخاذ روشهای تشویقی از امتیازات ذیل به سپرده‌گذاران اعطاء نمایند:

الف - اعطای جوایز غیر ثابت نقدی یا جنسی برای سپرده‌های قرض الحسنه.

ب - تخفیف یا معافیت سپرده‌گذاران از پرداخت کارمزد یا حق الوکاله.

پ - دادن حق تقدم به سپرده‌گذاران برای استفاده از تسهیلات اعطائی بانکی)

- تعیین انواع و میزان حداقل و حداکثر کارمزد خدمات بانکی (مشروط بر اینکه بیش از هزینه کار انجام شده نباشد) و حق الوکاله بکارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری که توسط بانکها دریافت می‌شود.

۳- نسبت سپرده‌های قانونی

۴- کنترل (دخال) مستقیم

۵- ترغیب اخلاقی

۱- نرخ تنزیل مجدد

یکی از ابزارهایی که برای کنترل حجم پول در بسیاری از کشورهایی که نرخ بهره وجود دارد، بکار میرود نرخ تنزیل مجدد است. اصولاً نرخ تنزیل مجدد عبارت است از نرخ بهره‌ای که با توجه به آن بانک مرکزی اسناد تجاری بانکها را که دارای مدت است تنزیل می‌کند و به آنها در قبال این اسناد وام می‌دهد.

که از این طریق (تغییر نرخ تنزیل) بانک مرکزی می‌تواند بر عملکرد بانکها در زمینه بسط یا کاهش اعتبارات تجاری تاثیر گذارد. مکانیزم تنزیل مجدد که می‌تواند بر حجم پول در جریان اثر گذارد دارای این امتیاز است که بسط اعتبارات در فعالیتهای تجاری و تولیدی که نیاز به اعتبار دارند تاثیر می‌گذارد ولی بعنوان یک ابزار اعمال سیاست پولی، این مکانیزم جنبه انفعالی دارد. زیرا بانک مرکزی باید نرخ تنزیل مجدد را اعلام کرده و منتظر بماند تا بانکها برای تنزیل اسناد تجاری و اخذ تسهیلات مراجعه نمایند. بدیهی است در این صورت ممکن است امر انبساط و یا انقباض اعتبارات متناسب با پیش‌بینی بانک مرکزی انجام نپذیرد.

در بانکداری بدون ربا خرید اسناد تجاری واقعی از مشتریان که مدتی به سررسید آنها باقی مانده و فروش آن (فروش مجدد) به نرخ کمتری به بانک مرکزی می‌تواند امکان افزایش حجم تسهیلات اعطائی را برای بانکها فراهم نماید.

۲- نسبت سپرده قانونی

در سیستمهای موجود بانکی، بانکها موظفند نسبتی از منابعی را که جذب می‌نمایند نزد بانک مرکزی بعنوان سپرده قانونی نگهداری نمایند. میزان این نسبت در کنترل عملکرد بانکها نقش حساسی دارد. از طریق تغییر این نسبت بانک مرکزی گسترش یا کاهش اعتبارات بانکها را کنترل می‌نماید.

برای اعمال سیاستهای پولی انقباضی و انبساطی کافی است که نسبت سپرده قانونی افزایش یا کاهش داده شود. زیرا در این صورت منابع آزاد بانکها محدودتر یا بیشتر و قدرت اعتبار دهی آنها کاهش و یا افزایش خواهد یافت.

نسبت سپرده قانونی اگر چه یک ابزار موثر در کنترل حجم پول است اما وسیله‌ای نیست که بانک مرکزی بتواند هر روزه و پی در پی از آن جهت کنترل حجم پول استفاده نماید بلکه اثر تغییر نسبت سپرده قانونی معمولاً با یک فاصله زمانی و همراه با یک انطباق پر زحمت برای بانکها خواهد بود.

زیرا در صورت افزایش نسبت مزبور بانکها ناچارند در قبال سپرده‌های موجود خود سپرده قانونی نزد بانک مرکزی را افزایش داده و از حجم تسهیلات اعطائی خود بکاهند و همواره نسبت

تعیین شده را بین سپرده‌های اشخاص نزد بانکها و سپرده قانونی بانک مرکزی برقرار نمایند. طبعاً اگر بانکها دارای ذخایر آزاد باشند (منابع مازاد استفاده نشده) و نسبت سپرده قانونی اضافه شود بانکها می‌توانند از محل منابع مازاد خود استفاده نمایند که در این صورت افزایش نسبت قانونی نمی‌تواند اثر انقباضی داشته باشد. زیرا نگهداری منابع مازاد نزد بانکها و بانک مرکزی اثر یکسان دارد. بنابر این اثر انقباضی افزایش نسبت سپرده قانونی هنگامی ظاهر می‌شود که بانکها ناچار به کاهش حجم تسهیلات اعطائی خود باشند.

بنابر این نسبت سپرده قانونی گرچه یک پارامتر موثر است ولی نمی‌توان در آن تغییرات فراوان و فاحشی بوجود آورد و در عمل، فقط می‌توان آنرا چند درصد افزایش یا کاهش داد. تغییر نسبت سپرده قانونی در بانکداری بدون ربا همان کاربردی را که توضیح داده شد می‌تواند داشته باشد منتها در صورت افزایش بیش از حد این نسبت و عدم تامین هزینه مربوط توسط بانک مرکزی، می‌تواند نرخ موثر بازدهی بانکها را کاهش داده و سهم سود سپرده‌گذار را پائین بیاورد.

۳- عملیات بازار باز

عملیات بازار باز شامل خرید و فروش اوراق قرضه دولتی توسط بانک مرکزی است. عملیات بازار باز یکی از ابزارهای مهم سیاست پولی است که از طریق آن، بانک مرکزی می‌تواند نسبت به تنظیم و کنترل حجم نقدینگی به نحویکه متناسب با نیازهای اقتصادی کشور باشد، اقدام نماید. انتشار اوراق قرضه، ابزاری برای جمع‌آوری وجوه و تامین منابع پولی برای دولت است و معمولاً به هنگام کسری بودجه، بجای استقراض از بانک مرکزی که پایه پولی را افزایش می‌دهد و موجب افزایش حجم پول و نهایتاً تورم می‌گردد اقدام به فروش اوراق بهادار می‌نمایند و ضمن تامین کسری بودجه از افزایش حجم نقدینگی جلوگیری می‌نمایند.

عملیات بازار باز بعنوان یک ابزار کنترل حجم پول، دارای انعطاف کافی، قابلیت استفاده روزمره، و اثر بخشی سریع است. انعطاف این ابزار ناشی از این ویژگی است که بانک مرکزی از طریق تصمیم در مورد میزان خرید و فروش اوراق قرضه، می‌تواند با دقت کافی نسبت به میزان کاهش و یا افزایش حجم پول تصمیم بگیرد. نسبت سپرده قانونی و نرخ تنزیل مجدد از این درجه انعطاف برخوردار نیست و این امکان وجود دارد که پس از تغییر این پارامترها، حجم پول کمتر و یا بیشتر از میزان پیش‌بینی شده تغییر کند. ویژگی دیگر این ابزار، قابلیت استفاده روزمره آن است. یعنی اینکه بانک مرکزی می‌تواند همه روزه نسبت به خرید و یا فروش اوراق قرضه تصمیم بگیرد و تطبیق کوتاه مدت حجم پول را تحت کنترل داشته باشد. اثر بخشی سریع این ابزار نیز مربوط به این واقعیت است که بانک مرکزی از طریق خرید و فروش اوراق قرضه می‌تواند بیدرنگ

حجم پول را تغییر دهد. این ابزار برعکس نسبت سپرده قانونی احتیاج به زمان جهت تطبیق تدریجی نظام اقتصادی ندارد و مانند نرخ تنزیل مجدد، یک ابزار انفعالی محسوب نمی‌شود. خرید و فروش اوراق قرضه توسط بانک مرکزی، در کشورهایی که بازارهای پولی پیشرفته دارند، یکی از فعالترین و موثرترین مکانیزم‌های کنترل حجم پول و اعمال سیاستهای پولی توسط بانک مرکزی است. کشورهای در حال توسعه به علت عدم برخورداری از یک بازار متشکل پول و سرمایه و فقدان یا ضعف سایر شرایط در استفاده از ابزار عملیات بازار باز چندان موفقیتی ندارند.

۴- اعمال کنترلهای مستقیم از طرف بانک مرکزی

این ابزار هنگامی مورد استفاده مقامات پولی قرار می‌گیرد که دیگر روشهای موجود برای جلوگیری از گسترش اعتبارات آن هم به سرعتی که مورد نظر مسئولان است، از کارآئی کافی برخوردار نباشد. کنترل مستقیم معمولاً به دو صورت، تعیین حدود تسهیلات و تعیین حداکثر نرخ سود پرداختی به سپرده‌ها و حداکثر نرخ سود تسهیلات اعطائی بانکها مورد استفاده قرار می‌گیرد، مثلاً با برقراری حداکثر سقف تسهیلات، مستقیماً رشد نقدینگی را محدود می‌نمایند. انجام این امر گرچه سیاستگذار را با سرعت بیشتری به هدف مورد نظر میرساند ولی میتواند آثار منفی از جمله عدم تخصیص بهینه منابع و تاثیر بر نرخ سود بازار در برداشته باشد که در حال حاضر موضوع مورد اشاره قابل توجه است.

۱- ۴- الزام بانکها به نگه‌داری نسبت خاصی بین دارائیهای آنی و بدهیهای دیداری و یا بین دارائیهای آنی و جمع بدهیها

حفظ نسبت خاص بین دارائیهای آنی یک بانک و بدهیهای دیداری آن، علاوه بر ایجاد آمادگی کافی برای بانک جهت پاسخگوئی مراجعات مستمر مشتریان جهت برداشت از حسابهای خود نزد بانک، میتواند بعنوان یک ابزار جهت کنترل عملیات اعتباری بانکها نیز بکار رود. تغییر این نسبت، بر میزان منابع آزاد و در نتیجه بر تسهیلات اعطائی بانکها تاثیر می‌گذارد.

ابزارهای جدید سیاست پولی در نظام بانکداری بودن ربا

اساساً اهداف اعمال سیاستهای پولی و اعتباری متعدد هستند. مهمترین این اهداف عبارتند از تاثیر بر نقدینگی بخش خصوصی، میزان سرمایه‌گذاری، سطح عمومی قیمتها، اشتغال، تولید، حجم اعتبارات، تسهیل مبادلات بازرگانی، نرخ ارز و منافع سپرده‌گذاران... در بانکداری کلاسیک (سنتی) با ابزار تغییر نرخ بهره توسط بانک مرکزی می‌توان موجب کاهش یا افزایش تقاضا برای تسهیلات و همچنین تغییر جریان نقدینگی و نرخ بهره بازار گردید. اما در نظام بانکی ایران طبق ماده ۲۰ قانون عملیات بانکی بدون ربا بانک مرکزی می‌تواند

در حسن اجرای نظام پولی و اعتباری با استفاده از ابزارهای کاملاً متعدد و متنوع در امور پولی دخالت و نظارت کامل داشته باشد.

ابزارهای جدید سیاست پولی نیز با توجه به اثراتی که دارند به دو گروه تقسیم می‌شوند.

الف: ابزارهایی که در تعیین و جذب سپرده‌ها موثر هستند:

۱- جواز غیر ثابت نقدی و جنسی که می‌تواند در جذب سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز موثر باشد.

۲- تخفیف یا معافیت سپرده‌گذاران قرض‌الحسنه پس‌انداز از پرداخت کارمزد یا حق‌الوکاله

۳- دادن حق تقدم برای استفاده از تسهیلات بانکی به سپرده‌گذاران قرض‌الحسنه پس‌انداز

۴- تعیین حداقل نرخ سود علی‌الحساب و قطعی پرداختی به سپرده‌گذاران کوتاه مدت و بلند مدت

ب: ابزارهایی که در تعیین و تغییر حجم تسهیلات اعطائی موثرند:

۱- تعیین حداقل و حداکثر نسبت سود بانکها در معاملات قطعی (فروش اقساطی، اجاره بشرط تملیک و ...) که باین ترتیب با بالا و پائین آوردن نرخ سود قطعی (درمورد معاملاتی که سود آنها هنگام انجام معامله تحقق می‌یابد) میتوان کنترل تسهیلات اعطائی را در دست داشت.

۲- تعیین حداقل سود مورد انتظار بانکها در معاملاتی که سود آنها در آینده تحقق می‌یابد مانند مضاربه، مشارکت مدنی و ... که با تغییر این سود مورد انتظار می‌توان تقاضا برای تسهیلات را کاهش یا افزایش داد.

۳- تعیین رشته‌های مختلف سرمایه‌گذاری و مشارکت در حدود سیاستهای اقتصادی مصوب و تعیین حداقل نرخ سود احتمالی برای انتخاب طرحهای سرمایه‌گذاری و مشارکت. حداقل نرخ سود احتمالی ممکن است در هر یک از رشته‌های مختلف متفاوت باشد.

با توجه به اینکه یکی از ویژگیهای بانکداری بدون ربا کنترل و هدایت پول در مسیر واقعی می‌باشد لذا ضمن کنترل و هدایت پول می‌توان با تعیین حداقل نرخ سود احتمالی طرحها و یا مشارکتهای مورد پذیرش در حجم پول در جریان تاثیر گذاشت.

۴- با تعیین حداقل و حداکثر میزان مشارکت، مضاربه، سرمایه‌گذاری، اجاره بشرط تملیک و ... و همچنین رشته‌های مختلف و نیز تعیین حداکثر تسهیلات اعطائی به هر مشتری میتوان یک ابزار سیاست پولی خوبی در دست داشت.

با عنایت به ابزارهای متنوع مورد اشاره باید گفت در بانکداری فعلی از این ابزارها کمتر استفاده گردیده و صرفاً به استفاده از یک یا دو ابزار اکتفاء شده است.

بررسی عملکرد ابزارهای سیاستهای پولی در نظام بانکداری بدون ربا

۱- نسبت سپرده قانونی

استفاده از این ابزار که در قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ پیش‌بینی شده بود، برحسب نوع سپرده و فعالیت بانکها متفاوت می‌باشد. حداقل و حداکثر نرخ سپرده قانونی در قانون مزبور ۱۰ و ۳۰ درصد مانده سپرده‌ها تعیین شده است.

جدول شماره (۲ و ۱) تغییرات نرخ سپرده قانونی نسبت به انواع سپرده‌ها را براساس ترازنامه بانک مرکزی برای دهه گذشته نشان می‌دهد. همانگونه که در جدول مشاهده می‌گردد نرخ ذخیره قانونی از سال ۱۳۷۰ تغییر یافته و به بالاترین حد خود رسیده است یعنی از سالهای ۷۰ تا ۷۵ از حداکثر مجاز این ابزار استفاده شده است.

علی‌رغم افزایش نرخ ذخیره قانونی بدلیل اینکه طی دهه گذشته (به‌خصوص نیمه دوم دهه ۶۰) بانکهای تجاری همواره با افزایش منابع مازاد مواجه بوده‌اند. لذا تغییر نرخ ذخیره قانونی بعنوان یکی از ابزارهای سیاست پولی بر کنترل حجم نقدینگی بی‌تاثیر بوده است به عبارت دیگر کاربرد این ابزار، زمانی است که بانکها با مازاد منابع مواجه نباشند.

جدول شماره (۱)

نسبت سپرده‌های قانونی طی دهه گذشته بانکهای تجاری درصد

نوع سپرده	جاری	پس‌انداز	سپرده کوتاه‌مدت	سپرده بلندمدت
سال	قرض الحسنه	قرض الحسنه		۱-۵ سال
۱۳۶۰	۱۷	۱۵	۱۵	۱۵
۱۳۶۲	۲۷	۲۵	۲۵	۲۵
۱۳۷۰	۳۰	۳۰	۲۵	۱۵ (۲-۵) ۲۵ (۱)
۱۳۷۲	۳۰	۳۰	۲۵	۱۰ (۵) ۱۵ (۲، ۳) ۲۵ (۱)
۱۳۷۴	۳۰	۳۰	۲۵	۱۰ (۵) ۱۵ (۲، ۳) ۲۵ (۱)
۱۳۷۵	۳۰	۲۵	۲۵	۱۰ (۵) ۱۵ (۲، ۳) ۲۵ (۱)

نسبت سپرده‌های قانونی طی دهه گذشته بانکهای تخصصی

درصد

سپرده بلندمدت	سپرده کوتاه مدت	پس انداز قرض الحسنه	جاری قرض الحسنه	نوع سپرده سال
۱۵	۱۵	۱۵	۱۷	۱۳۶۰
۱۵	۱۵	۱۵	۱۷	۱۳۶۲
۱۵	۱۵	۱۵	۱۷	۱۳۷۰
۱۵	۱۵	۱۵	۱۷	۱۳۷۲
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۳۷۴
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۳۷۵

ماخذ: گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، در سالهای مختلف.

از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰ نرخ سپرده قانونی برای سپرده‌های دیداری بانکهای تخصصی ۱۷٪ و برای بانکهای تجاری ۲۷ درصد بوده و در سال ۱۳۷۰ حداکثر نرخ ذخیره قانونی یعنی ۳۰٪ استفاده شده است.

۲- نرخ تنزیل مجدد:

این ابزار، همواره درکل بدهی بانکهای کشور به بانک مرکزی و سالهای قبل از انقلاب، سهم ناچیزی داشته است این سهم ناچیز به همراه تغییرات محدود نرخ آن موجب شده که این ابزار نقش بسیار اندکی را در اجرای سیاستهای پولی کشور داشته باشد. نرخ تنزیل مجدد طی سالهای قبل از انقلاب بین ۴ تا حداکثر ۱۰ درصد نوسان داشت. بنابر این، ابزار مزبور از جمله وسایل ضعیف اعمال سیاستهای پولی بوده است. با تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا استفاده از ابزار نرخ تنزیل مجدد به کلی منسوخ گردید و در نتیجه، این وسیله از سال ۱۳۵۹ از فهرست ابزارهای سیاست پولی کشور حذف شد.

۳- عملیات بازار باز

برای اولین بار در مرداد ۱۳۴۹ بموجب قانون، بانکهای کشور ملزم به خرید اوراق قرضه از بانک مرکزی شدند و مقرر شد که معادل ۱۶ درصد از افزایش سپرده‌های دیداری و غیر دیداری

خود را در طول سال مزبور به شکل اوراق قرضه نگهداری کنند. در دهه ۱۳۵۰ حجم کل اوراق قرضه‌ای که سیستم بانکی می‌باید در قبال تغییرات کل سپرده‌ها خریداری نماید به دفعات تغییر نمود. در سال ۱۳۵۰ بدلیل افزایش درآمدهای نفتی خرید اوراق توسط بانکها متوقف گردید. ولی در سال ۱۳۵۲ بدلیل اتخاذ سیاستهای انقباضی پولی (بمنظور جلوگیری از تورم شدید) بانکها مکلف گردیدند معادل ۵۰ درصد از افزایش سپرده‌های مدت‌دار را بصورت اسناد خزانه یا اوراق قرضه دولتی نزد بانک مرکزی تودیع نمایند. در پایان سال ۱۳۵۳ نسبت خرید اوراق قرضه بابت افزایش سپرده‌های غیر دیداری به ۳۰ درصد کاهش یافت اما در سال ۱۳۵۴ دوباره به ۴۵ درصد رسید و تا پایان سال ۱۳۶۲ در این سطح باقی ماند. پس از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا در سال ۱۳۶۳، الزام بانکها به خرید اینگونه اوراق لغو و به بخش خصوصی نیز اوراق جدیدی ارائه نگردید.

لازم به ذکر است بخش عمده اوراق قرضه دولتی همواره در اختیار بانکها بوده است و بخش غیر بانکی سهم کمتری از اوراق قرضه دولتی را در اختیار داشته است. مضافاً آنکه خرید اوراق قرضه توسط بخش بانکی نیز به دلیل الزامات قانونی بوده است. با اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، انجام عملیات بازار باز متوقف و بدین لحاظ از سالهای ۱۳۶۴ به بعد بانکها الزامی به خرید اوراق قرضه در قبال افزایش سپرده‌های غیر دیداری خود نداشتند. طی سالهای ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۹ بانک مرکزی در دو نوبت مقداری اوراق قرضه به بانکها فروخت و در کل اوراق قرضه‌ای که توسط بانکها نزد بانک مرکزی تودیع شده، در پایان سال ۱۳۶۹ در مقایسه با سال ۱۳۶۴ از رشدی معادل $\frac{8}{3}$ درصد برخوردار بوده ولی این نسبت در پایان سال ۱۳۷۲ از رشدی معادل $\frac{7}{10}$ درصد برخوردار بوده است. در مجموع می‌توان گفت که عملیات بازار باز در ایران خصوصاً بعد از قانون عملیات بانکی بدون ربا مورد استفاده چندانی قرار نگرفته است.

۴- اعمال کنترل‌های مستقیم

باید گفت با توجه به استفاده بانک مرکزی از حداکثر حدمجاز خود در استفاده از نسبت سپرده‌های قانونی (۳۰٪) در سالهای اخیر تنها سیاست تعیین سقفهای اعتباری را در دهه ۶۰ بعنوان عمده‌ترین ابزارهای سیاست پولی مورد استفاده قرار داده است. دیگر از ابزارهای سیاست پولی نرخ سود پرداختی به سپرده‌های سرمایه‌گذاری می‌باشد که مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۴- تعیین سقف تسهیلات اعطائی بانکها به بخش غیر دولتی:

مهمترین ابزار سیاست پولی در دهه ۶۰ تعیین سقفهای اعتبارات بوده است که هر ساله توسط بانک مرکزی اعلام میگردد.

ولی از سال ۱۳۷۰ این سقف اعتباری حذف و به بانکها اجازه داده شد به هر میزانی که منابع جذب می نمایند پس از کسر تعهدات قانونی اقدام به اعطای تسهیلات نمایند.

بررسی آمار جداول شماره (۲) و (۳) نشان می دهد در سالهای ۱۳۶۶ تا پایان سال ۱۳۷۵ عملکرد سیستم بانکی در اعطای تسهیلات به بخش غیر دولتی بیشتر از تسهیلات مصوب بوده است.

حتی در سالهایی که سقفهای اعتباری حذف گردید باز میزان پرداخت تسهیلات بیشتر از میزان تعیین شده قابل پرداخت از محل جذب سپرده ها نزد بانکها بوده است که نشاندهنده عدم کارایی سقف اعتبارات می باشد:

شایان ذکر است که از سال ۱۳۷۳ به منظور کنترل تورم و محدود نمودن رشد تسهیلات بانکی و همچنین حجم عظیم منابع مورد نیاز برای پروژه های عمرانی دولت با توجه به بند ه تبصره ۲ قانون بودجه کشور سیاستهای اعتباری به ترتیب ذیل تعیین گردید:

در سال ۱۳۷۳ سقف تسهیلات بانکی قابل واگذاری توسط بانک مرکزی از طریق بانکهای تجاری و تخصصی به بخشهای دولتی و غیر دولتی نسبت به مانده پایان سال ۱۳۷۲ به ترتیبی تعیین گردید که تغییر در خالص بدهی آنها به سیستم بانکی معادل مبلغ ۷۰۰۰ میلیارد ریال افزایش یابد. ۵۵٪ از افزایش سقف تسهیلات بانکی در سال ۱۳۷۳ (۳۸۵۰ میلیارد ریال) منحصراً بایستی به بخش غیر دولتی و ۴۵٪ باقیمانده (۳۱۵۰ میلیارد ریال) به بخش دولتی اختصاص داده شود. که عملاً مانده تسهیلات اعطائی بخش غیر دولتی در پایان سال ۱۳۷۳ مبلغ ۵۷۰۰ میلیارد ریال یعنی بیش از ۸۰٪ افزایش داشته است.

در سال ۱۳۷۴ سقف اعتباری ۶۷۰۰ میلیارد ریال تعیین گردید که به نسبت سال قبل (۵۵٪ و ۴۵٪) به بخش غیر دولتی و دولتی اختصاص یابد. بر این اساس سهم بخش غیر دولتی از تسهیلات مصوب ۳۶۸۵ میلیارد ریال می باشد که عملاً بالغ بر ۹۲۰۰ میلیارد ریال به مانده تسهیلات اعطائی بانکها به بخش غیر دولتی افزوده شده است.

در سال ۱۳۷۵ سقف اعتباری مبلغ ۷۵۰۰ میلیارد ریال تعیین گردید که می بایست به نسبتهای سال قبل بین بخش دولتی و غیر دولتی توزیع گردد. (یعنی ۴۱۲۵ میلیارد ریال به بخش غیردولتی و ۳۳۷۵ میلیارد ریال به بخش دولتی تخصیص یابد) ولی در عمل مبلغ ۱۲۵۰۰ میلیارد ریال به مانده تسهیلات اعطائی بانکها به بخش غیر دولتی افزوده شده است.

نکته قابل اهمیت این است که در سالهایی که بانک مرکزی نسبت رشد تسهیلات را با توجه